



«ماهمنیر» را نپیند تا کاری که این شخصیت در طول سریال انجام می‌دهد او را زیبا جلوه دهد. برای همین ماجراهایی که در این سریال جریان پیدا می‌کند باعث می‌شود تا «ماهمنیر» برای مخاطب جذاب باشد و با توجه به انتخاب‌ها و کمک‌هایی که به لطفعلی در طول سریال می‌کند به محبوبیت این شخصیت خواهد افزود. البته نمی‌گویم اشتباه نمی‌کند. اشتباه هم می‌کند؛ اما توسط تجربه‌ای که به دست می‌آورد و به دلیل دانایی‌اش در نهایت به درستی انتخاب می‌کند و در رابطه عاشقانه‌اش پیش می‌برد. کارکتر «ماهمنیر» تک بعدی نیست و چند وجهی است. برای همین در طول سریال دچار چالش‌های زیادی می‌شود. از این رو تصور می‌کنم «ماهمنیر» توانسته است جزو کارکترهای جذاب سریال «مستوران» باشد. به هر حال قصه «مستوران» قصه افسانه‌ای است و مخاطب خودش را دارد و قطعاً تصویری که از دختر کهن الگوی قدیم می‌توان تصور کرد برای خود من نیز بسیار جذاب است که بتوانم آن نقش را بازی کنم و برای یک بازیگر نیز اتفاق جذابی به حساب می‌آید.

نقش آفرینی در سریال «نچلا» و فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» نیز مربوط به اتفاقات روز نیست و ماجراهای پیش آمده در دهه‌های پیش را روایت می‌کند که به خوبی توانستید نقش زن آن دوران را بازی کنید. در سریال «مستوران» شما قرار است به قرن‌ها عقب‌تر برگردید و نقشی را بازی کنید که نمود بیرونی هم ندارد. خودتان به عنوان بازیگر، چقدر سعی کردید چالش‌هایی که در این سریال تاریخی ممکن است با آن مواجه شوید را برطرف کنید؟

من محیا دهقانی در زمان حال زندگی می‌کنم و به هر حال اگر بخواهم کار رئالیستی هم کار کنم آن کار نیز با خود سختی‌هایی به همراه دارد و باید خود را به کارکتر مورد نظر نزدیک کرد. اما اگر بخواهم قرن‌ها از زمانه خودم فاصله بگیرم کار ساده‌ای نیست و همین موضوع کار بازیگر را سخت می‌کند. البته من این چالش را به عنوان بازیگر دوست دارم. پرت شدن و دور شدن زیادتر از حد از دوران خود و بازی کردن در آن نقش به نظرم می‌تواند نقطه قوت یک بازیگر باشد. برای من مانند کار با لهجه می‌ماند. در

گوناگونی همبازی هستید. بهنام تشکر، کاوه خداشناس، نسرین نکبسا... از جمله این بازیگران هستند که آنها نیز تجربه حضور در سریال تاریخی در تلویزیون را مانند حضور در این سریال نداشتند. نظرتان درباره این بازیگران و بازی در کنار آنها چیست؟

جالب است که ورود هر کاراکتر و بازی آنها توسط بازیگرانی که در آن نقش حضور دارند به شکلی است که گویی آنها برای همان نقش ساخته شده‌اند و این موضوع برای خود من بسیار جذاب بود. برای همین این اطمینان را دارم تمام بازیگران در این سریال خوش خواهند درخشید. آنقدر تیم بازیگری یک دست و آنقدر کارگردانی علی هاشمی و تسلط و ارتباط او با بازیگران و مدیریت آنها حرفه‌ای و درست بود که کمک کرد تا بازی بازیگرها بیشتر جلوه‌گری کند. به هر حال این کار تاریخی و افسانه‌ای کهن الگویی است که ممکن است مرز بین تئاتر و رئالیستی را برهم بزند. اما اصلاً بازی‌ها تئاتری نیستند. من جزو مخاطب‌هایی خواهم بود که سر این سریال به تک‌تک بازی بازیگرها نگاه خواهم کرد. چون تک‌تک‌شان کارکترهای متفاوتی را به تصویر کشیده‌اند.

در کنار بازیگران شناخته و پیشکسوت مانند فرهاد آیش و ثریا قاسمی بازیگران عرصه تئاتر را در این سریال می‌بینیم که اتفاقاً خوب از پس نقش‌های‌شان برآمده‌اند که محمد صادق ملک در نقش کیابوش از جمله آنهاست و جزو بازیگرانی است که مقابل شما بازی می‌کند.

درست است؛ محمد صادق ملک بازیگر توانمند تئاتر است و حضور او در این سریال بهترین معرفی است که می‌تواند برای ایشان رقم بخورد. چون واقعا توانستند در این نقش درخشان ظاهر شوند. در کل می‌توانم بگویم اتفاقات خوبی برای تک‌تک بازیگرها و عوامل این سریال در راه است و محمد صادق ملک نیز جزو همان‌هاست و خوشحالم بچه‌هایی که این همه سال زحمت کشیدند و دیده نشدند در این کار حضور دارند و سهم خودشان را از دنیای تصویر برداشت خواهند کرد. من این نوید را از طرف خودم به عنوان عضو کوچک این گروه به آنها می‌دهم

سریال «نچلا» اصلاً برایم سخت نبود لهجه جنوبی داشته باشم. اتفاق‌هایی که برای من با لهجه اتفاق می‌افتد عین همان را برای کار تاریخی رقم می‌زند و برای همین هم بازیگری را برای من دوست داشتنی‌تر می‌کند.

چون هر چقدر پیچیده‌تر باشد برای من بازیگر بهتر است و قوی‌تر می‌توانم خودم را محک بزنم

و حالا که تولید سریال به اتمام رسیده و در حال پخش است آیا از نگاه خودتان تصور می‌کنید توانستید از پس این نقش تاریخی هم بریاید؟

آنچه در این سریال کار کرده‌ام آنقدر برایم دوست داشتنی بود که امیدوارم این انرژی به مخاطب هم رسیده باشد و حال خوبم را توانسته باشم به مخاطب نیز منتقل کنم که بی‌شک این حال خوب به خود من هم برخواهد گشت.

در فصل دوم سریال «مستوران» شما با بازیگرهای

به تماشای یک قصه تمام ایرانی

- مرور تاریخ سریال‌های تلویزیونی توام با حسرت است که چرا قصه‌های تمام عیار کهن ایرانی سهم اندکی دارند؟ مگر ما وارث گنجینه‌ای ارزشمند از آثار مکتوب و شفاهی نیستیم؟
- چه اتفاق خوبی که سریال «مستوران» پرچمدار روایت افسانه‌ها و حکایت‌های دیرین ایرانی شده است. این سریال در فصل اول، مخاطب ناآگاه را با مواردی مثل دوال پا، سیمرغ، جادوگر، قبیله وحشی‌ها و ... آشنا کرد و در فصل دوم این مفاهیم را کامل‌تر عرضه کرده است.
- برای دیدن آثار فانتزی مثل «مستوران» باید زاویه دید را عوض کرد و آن را با سریال‌های رئال محک نزد. چرا که در قصه‌های کهن ما، گره افکنی و گره‌گشایی‌ها مبتنی بر تخیل صرف است و «مستوران» هم از این قاعده تبعیت کرده.
- سریال علاوه بر این که داستان عشق، خیانت، دوئل آدم‌ها و مسائلی از این دست را در خود دارد، نقد اجتماعی-سیاسی را فراموش نکرده. نمونه‌اش کنایه به قاضی فاسد یا دیگر مسئولان پول پرست و قدرت طلب شهر خیالی مستوران است. انطباق این اشارات با شرایط روز جامعه می‌تواند، درس آموز باشد.
- ویژگی دیگر «مستوران» استفاده متفاوت از بازیگران در نقش‌های جدید است. مثل بهنام تشکر، محیا دهقانی، کاوه خداشناس، رایحه اسکویی، رویا میرعلمی و آن‌ها تحت هدایت سیدعلی هاشمی، اشرافی خوب نسبت به فضای فانتزی قصه داشته‌اند و به همین خاطر تجربه‌ای تازه در کارنامه خود ثبت کرده‌اند.
- گریم به همراه طراحی لباس و نیز تنوع لوکشین، دیگر امتیاز «مستوران» است که با یک موسیقی دلنشین همراه شده. نتیجه آن که پخش «مستوران» در شبکه یک توانسته طیف زیادی از مخاطبان را با خود همراه سازد و به عنوان سریالی با ساختار و محتوای متفاوت، نظرها را به سمت خود جلب کند.